



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۲/۱۷

غوټ جانبار

اسرار دیپلوماسی، بخش از کتاب تاریخ روابط افغانستان و ایالات متحده امریکا (۱۹۱۹-۱۹۵۵)



نویسندگان: - گ. یژوف - پ. کرپینکو

مترجم: غوټ جانبار

(۱)

دولت جوان افغانستان آرزو داشت روابط دوستانه را با کشور های غربی، مخصوصاً با ایالات متحده امریکا تأمین نماید. حکومت در عین زمان به منظور تحکیم استقلال خویش از برتانیه کوشش میکرد با روسیه نیز روابط خود را استحکام بخشد و حمایت آنرا با خود داشته باشد.

طی دهه های متمادی در ادبیات حاکم سیاسی و علمی اتحاد شوروی و افغانستان صرف یک نظر حکمفرما بود: " روابط میان اتحاد شوروی و افغانستان همیشه حسنه و بدون هرگونه ابری بوده است. " اما حقیقت امر طور دیگری بود. بلافاصله پس از استرداد استقلال افغانستان، روسیه فکر آنرا در سر می پروراند تا مواضع سیاسی و در صورتی امکان، مواضع نظامی- سیاسی خود را در افغانستان تقویه کند، تا بدین ترتیب از نفوذ برتانیه کبیر در شرق میانه و نیم قاره هند کاسته شده باشد. در دسمبر ۱۹۱۹ نماینده با صلاحیت (سفیر) روسیه شوروی به نام ی. ز. سوریخ وارد کابل شد. سوریخ وظیفه داشت تا مانع انعقاد؛ معاهده صلح " میان افغانها و برتانوی ها گردد. حین خزان ۱۹۱۹ مسکو مصمم بود به افغانستان دو لوی پیاده و مقداری از تجهیزات و تسلیحات نظامی را ارسال کند. این تصمیم در مطابقت با مقاصد اصلی پالیسی دولت شوروی در شرق میانه قرار داشت. شوراها از این طریق میخواستند تا تصادمات میان انگلیسها و

افغانها مجدداً، اینبار به کمک اقتصادی و حمایت نظامی اتحاد شوروی آغاز شوند. مسکو در عین زمان به سوریخ وظیفه سپرده بود تا با حکومت افغانستان اتحاد نظامی - سیاسی را به امضا برساند.

در بهار ۱۹۲۰ حکومت افغانستان به سران اقوام پشتون که در امتداد سرحد با هند برتانوی زیست داشتند اجازه داد تا با دیپلوماتهای روسیه شوروی تماس داشته باشند. نظامیان و سیاسیون روسیه دیر زمانی بود که در سدد کسب این مجوز از حکومت افغانستان بودند. دسترسی به مناطق سرحدی به شوروی موقع میداد تا در این محل ستراتیژیک فعالیت های اکتشافی و تبلیغاتی را در ماورای سرحد با هند برتانوی انجام دهند. مذاکراتی که میان هیأت های افغانی و شوروی به راه افتید منجر به انعقاد معاهده نظامی میان دو کشور نگردید. روسیه شوروی حاضر نشد حجم لازم و معین مکلفیت های یک متحد را که جانب افغان درخواست میکرد، بپذیرد.

در جریان سالهایی ۱۹۱۹-۱۹۲۹ رقابت آشکار میان روسیه شوروی و افغانستان به منظور به کنترل درآوردن امارت بخارا جریان داشت. افغانستان به امارت بخارا سلاح و عسکر میفرستاد. در روز های اول و دوم سپتمبر ۱۹۲۰ به حمایت مستقیم قشون سرخ در بخارا کودتا صورت گرفت.

**** **

سخن مؤلفین

امروز با جرئت تمام باشندگان افغانستان را صرف نظر از قوم و قبیله به حق میتوان مردم فداکار و هر دم شهید نامید. افغانها در امتداد تاریخ در شرایط طاقت فرسای طبیعی به سر برده اند. جغرافیای سیاسی که این کشور را محاط ساخته است نیز برای افغانها مشکلات عدیده را تولید نموده است. از ازمه های دور جغرافیای افغانستان کنونی معمولاً بخشی از دولت های دیگر بوده و یا هم هدف رقابت میان آنها قرار گرفته است. با تأسف باید گفت که معمول مذکور حتی بعد از کسب آزادی و استقلال از انگلیسها در ۱۹۱۹ نیز پا برجا باقی ماند .

در بین دو جنگ جهانی، نخست روسیه شوروی و سپس اتحاد شوروی سعی کردند نفوذ برتانیه کبیر را در افغانستان کاهش بدهند و مواضع خود را در این کشور تقویت بخشند.

دولت جوان افغانستان آرزو داشت روابط دوستانه را با کشور های غربی، مخصوصاً با ایالات متحده امریکا تأمین نماید. حکومت در عین زمان به منظور تحکیم استقلال خویش از برتانیه کوشش میکرد با روسیه نیز روابط خود را استحکام بخشد و حمایت آنرا با خود داشته باشد .

طی دهه های متمادی در ادبیات سیاسی و علمی اتحاد شوروی صرف یک نظر حکمفرما بود: " روابط میان اتحاد شوروی و افغانستان که تهداب آنرا ولادیمیر لینین گذاشته است، همیشه حسنه و بدون هرگونه ابری بوده است. " اما حقیقت امر طور دیگری بود. بلافاصله پس از استرداد استقلال افغانستان، روسیه فکر آنرا در سر می پروراند تا مواضع سیاسی و در صورتی که چانس یاری کند، مواضع نظامی- سیاسی خود را در افغانستان تقویه کند، تا بدین ترتیب از نفوذ برتانیه کبیر در شرق میانه و نیم براعظم هند کاسته شده باشد. در دسمبر ۱۹۱۹ نماینده با صلاحیت (سفیر) روسیه شوروی به نام ی. ز. سوریخ وارد کابل

شد. سوریخ وظیفه داشت تا مانع انعقاد معاهده " صلح " میان افغانها و برتانوی ها گردد. حین خزان ۱۹۱۹ مسکو مصمم بود به افغانستان دو لوای پیاده و مقداری از تجهیزات و تسلیحات نظامی را ارسال کند. این فیصله در مطابقت با مقاصد اصلی پالیسی شوراها در شرق میانه قرار داشت. شوراها از این طریق میخواستند تا تصادمات میان انگلیسها و افغانها مجدداً، اینبار به کمک اقتصادی و حمایت نظامی شوراها آغاز شوند. مسکو در عین زمان به سوریخ وظیفه سپرده بود تا با حکومت افغانستان اتحاد نظامی – سیاسی را به امضا برساند .

در بهار ۱۹۲۰ حکومت افغانستان به سران اقوام پشتون که در امتداد سرحد با هند برتانوی زیست داشتند اجازه داد تا با دیپلوماتهایی روسیه شوروی تماس داشته باشند. نظامیان و سیاسیون روسیه دیر زمانی بود که در صدد کسب این مجوز از حکومت افغانستان بودند. دسترسی به مناطق سرحدی به شوراها موقع میداد تا در این محل ستراتیژیک فعالیت های اکتشافی و تبلیغاتی را در ماورای سرحد با هند برتانوی انجام دهند. مذكراتی که میان هیأت های افغانی و شوراها به راه افتادند منجر به انعقاد معاهده نظامی میان دو کشور نگردید. روسیه شوروی حاضر نشد حجم لازم و معین مکلفیت های یک متحد را که جانب افغان پیشنهاد گردیده بود بپذیرد.

در جریان سالهایی ۱۹۱۹-۱۹۲۰ رقابت آشکار میان روسیه شوروی و افغانستان به منظور به کنترل درآوردن امارت بخارا جریان داشت. افغانستان به امارت بخارا سلاح و عسکر میفرستاد. در روز های اول و دوم سپتمبر ۱۹۲۰ به حمایت مستقیم قشون سرخ در بخارا کودتا صورت گرفت.

ادامه دارد...

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!